

از مجموعه مرشد

ادبیات فارسی جامع کنکور پُرپُر

امیرنگات شجاعی
مهدی نظری

ادبیات دوم، سوم، پیش‌دانشگاهی
+ زبان فارسی سوم

زنگنه / زنگنه
زبان و ادب
پیر ماوود



در آدمی عشقی و دردی و خارخاری و تعاضایی هست

که اگر صد هزار عالم ملک او شود

که نیا ساید و آرام نماید.

فیض‌نامه - مولانا



مقدمه

بنام خداوند جان و خود

کزانی بر تراندیش برگذرد

حروف اول

موقعیت در آزمون ادبیات کنکور، نیازمند سلطط بر منابع کنکور و تکرار و تمرین با تست‌های استاندارد است. **ادبیات فارسی جامع کنکور** یک کتاب است با محتوای هر چهار کتاب ادبیات پیش‌دانشگاهی، ادبیات ۳، زبان فارسی ۳، و ادبیات ۲. قرار نیست در این کتاب با تست‌های تألیفی یا مطالب خارج از کتاب‌های درسی رویبرو شوی، بلکه همان مطالب کتاب به طور دقیق دسته‌بندی شده‌اند و بعد از هر فصل، اطلاعات مخاطب با نمونه‌هایی از پرسش‌های مرتبط در آزمون سراسری سنجیده می‌شود.

ساختمان کتاب

شامل شش بخش است، به این ترتیب:
ادبیات پیش‌دانشگاهی، ادبیات سوم، زبان فارسی ۳، ادبیات ۲، پیوست آرایه‌ها و پاسخ‌نامه‌ی تشریحی.

کتاب‌های ادبیات

در هر یک از کتاب‌های ادبیات (پیش و ۳ و ۲) ترتیب موضوعات این‌طور است:

تاریخ ادبیات

محتوای تاریخ ادبیات، شامل درآمدها، انواع ادبی و معزّفی شخصیت‌ها و آثارشان در این بخش آمده است.

معنی واژه

معنی واژگان مهم کتاب، به تفکیک واژه‌های ستاره‌دار و بی‌ستاره در این بخش آمده است. ستاره‌دارها واژه‌های واژه‌نامه‌ی پایان کتاب درسی‌اند و بی‌ستاره‌ها سایر واژه‌های مهم متن درس‌ها و سایر توضیحات کتاب.

املای واژه

در این بخش، واژه‌ها از نظر اهمیت املایی در سه سطح واژه‌های «هم‌آوا»، «هم‌ریشه» و «بی‌ریشه» دسته‌بندی شده‌اند. واژه‌های هم‌آوا آن‌هایی هستند که تلفظ یکسان و املای متفاوت دارند. واژه‌های هم‌ریشه آن‌هایی هستند که هم‌ریشه‌های آن‌ها را در زبان روزمره به کار می‌بریم. واژه‌های بی‌ریشه آن‌هایی هستند که هم‌ریشه‌ای برای آن‌ها نمی‌شناسیم یا هم‌ریشه‌های آن‌ها را معمولاً به کار نمی‌بریم.

قرابت معنایی

توضیحات مربوط به مفاهیم کتاب درسی در این بخش آمده‌اند. با مرور مفاهیم کتاب درسی، رفته‌رفته روش استخراج مفهوم از بیت و عبارت را یاد می‌گیریم.

مکمل‌های فصل

با پایان یافتن هر فصل، مطالب و درسنامه‌های آن فصل که در بخش‌های «تاریخ ادبیات، معنی واژه، املای واژه و قربت معنایی» نمی‌گنجند، در بخشی به نام «**مکمل**» آمده‌اند.

کتاب زبان فارسی ۳

در بخش زبان فارسی هم، شرح و توضیح مطالب کتاب زبان فارسی ۳ با طبقه‌بندی درس به درس آمده است.

پیوست آرایه‌ها

از آنجا که آرایه‌های ادبی موضوعی ترکیبی است، علاوه بر برخی سؤالات که به مناسب درس نامه‌شان در طبقه‌بندی درس به درس گنجانده شده‌اند، سؤالات ترکیبی آرایه در بخشی با نام پیوست آرایه‌ها آمده‌اند. در این بخش، مهم‌ترین پرسش‌های آرایه‌ی کنکورهای اخیر را می‌بینی.

پاسخ‌نامه تشریحی

برای پرسش‌هایی که به تشریح و توضیح نیاز دارند، پاسخ‌نامه‌ی تشریحی نوشته شده که به اندازه‌ی نیاز، مختصر یا مفصل است.

کادرهای توضیحات

کادر شرح کار

کادر شرح کار آموزش می‌دهد که با هر موضوعی چه طور برخورد کنیم. برای استفاده‌ی درست از مطالب کتاب درسی، برای موضوعات تاریخ ادبیات، معنی واژه، املای واژه و قرابت معنایی شرح کار نوشته شده است.

کادر یادآوری

در موضوع قرابت معنایی، بعد از شرح کار که نحوه‌ی برخورد با قرابت را به طور کلی بررسی می‌کند، برای هر درس، توضیحی با عنوان «یادآوری» نوشته شده است. «یادآوری» کمک می‌کند تا با مرور موضوع هر درس، مهم‌ترین مفاهیم آن برای مخاطب بازگو شود.

سپاس‌گزاری

و صمیمانه سپاس‌گزاریم از دوستان عزیزی که این اثر جز با همراهی ایشان به سرانجام نمی‌رسید:

 مدیریت انتشارات: یحیی دهقانی

 دبیر مجموعه: مهندس هادی عزیززاده

 مدیریت پروژه: بابک نهرینی

 ویرایش علمی: مسیح گرجی، مهدی کرانی

 نمونه‌خوان: طوبی عینی‌پور

 گرافیک و طراحی جلد: بهاره خدامی

 حروفچین و صفحه‌آرا: سپیده خدادوری

حرف آخر

«ادبیات فارسی‌جامع کنکور» در روزهایی نوشته شده که هیچ کتاب دیگری بر پایه کتاب‌های درسی قدیم (دوم و سوم و پیش‌دانشگاهی) نوشته نمی‌شود؛ به این امید که بندي از پایی و گرهی از کاری و اکنده. برای همه‌ی مخاطبان کتاب در روزهای پیش رو تا کنکور آرزوی موفقیت می‌کنیم.

ارتباط با نویسنده‌گان

adabijat@yahoo.com

فهرست

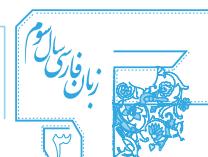
۱۰	فصل اول
۲۱	فصل دوم
۲۹	فصل سوم
۵۵	فصل چهارم
۶۳	فصل پنجم
۷۹	فصل ششم
۹۱	فصل هفتم
۱۰۰	فصل هشتم
۱۱۲	فصل نهم
۱۲۳	بازمانده‌ها



۱۲۶	فصل اول
۱۴۲	فصل دوم
۱۴۸	فصل سوم
۱۵۹	فصل چهارم
۱۶۹	فصل پنجم
۱۷۷	فصل ششم
۱۸۹	فصل هفتم
۲۰۰	فصل هشتم
۲۰۷	فصل نهم
۲۱۷	فصل دهم
۲۲۲	بازمانده‌ها



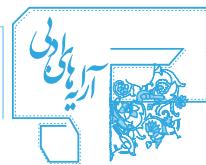
۲۳۸	درس ۱
۲۴۱	درس ۲
۲۵۶	درس ۳
۲۶۴	درس ۴
۲۶۹	درس ۵
۲۷۳	درس ۶
۲۷۵	درس ۷
۲۸۱	درس ۸
۲۸۳	درس ۹
۲۹۸	درس ۱۰
۳۰۲	درس ۱۱



۳۰۷	درس ۱۲
۳۱۰	درس ۱۳
۳۱۹	درس ۱۴
۳۲۱	درس ۱۵
۳۲۶	درس ۱۶
۳۲۹	درس ۱۷
۳۳۴	درس ۱۸
۳۳۸	درس ۱۹
۳۴۱	درس ۲۰
۳۴۵	درس ۲۱
۳۴۸	درس ۲۲
۳۵۱	درس ۲۳
۳۵۶	درس ۲۴



۳۶۶	فصل اول
۳۷۹	فصل دوم
۳۹۶	فصل سوم
۴۰۶	فصل چهارم
۴۱۳	فصل پنجم
۴۲۸	فصل ششم
۴۴۴	فصل هفتم
۴۶۱	فصل هشتم
۴۷۹	فصل نهم
۴۹۲	بازماندها



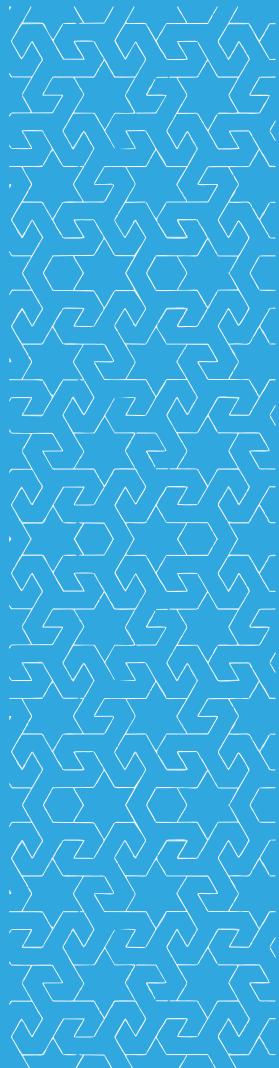
۴۹۷	آرایه‌های ادبی در سال‌های ۹۶ تا ۸۳
-----	------------------------------------

۵۲۵	پاسخ‌نامه تشریحی
-----	------------------





چهار
ادیات سال



فصل اول

تاریخ ادبیات

در این بخش، شخصیت‌های فصل اول همراه با آثارشان آمده‌اند. صحیفه‌ی سجادیه، اثر گران‌قدر امام سجاد علیه السلام، با ترجمه‌ی جواد فاضل معرفی شده است. به علاوه، مولوی و سنایی دو شاعر عارف‌مسک و بر جسته‌ی ادبیات فارسی از شخصیت‌های مهم فصل اول کتاب‌اند.



مولوی

۱۰

اثر: مشنونی (سرآغاز دفتر اول آن به «نی‌نامه» شهرت یافته) و روح نیایش و توجه به حق، در تار و پود آن نهفته است. / در این هجدۀ بیت منظور از نی، خود مولاناست که به عنوان نمونه‌ی یک انسان آگاه و آشنا با حقیق عالم معنا، خود را اسیر این جهان مادی می‌بیند و منظور از «نیستان» عالم معنا است. / تصحیح رینولد. نیکلسون)

سنایی

اثر: دیوان (تصحیح دکتر مظاہر مصطفاً)

امام سجاد (ع)

اثر: صحیفه‌ی سجادیه (مجموعه نیایش‌ها / ترجمه‌ی جواد فاضل به شیوه‌ی آزاد)

معنی واژه

در این بخش، واژگان مهم از نظر معنی، برایت سطح‌بندی شده‌اند. واژه‌ها را در دو سطح «ستاره‌دار» و «بی‌ستاره» می‌بینی. ستاره‌دارها آن‌هایی هستند که در واژه‌نامه‌ی پایان کتاب درسی آمده‌اند و بی‌ستاره‌ها، سایر واژه‌های متن درس‌ها و توضیحات کتاب درسی‌اند. واژه‌های هر دو سطح، مورد توجه طرّاحان آزمون سراسری هستند. بعضی از این واژه‌ها ممکن است دو یا چند معنی متفاوت داشته باشند. همه‌ی معانی واژه‌ها را خوب به خاطر بسپار.



تاره

اشتیاق: میل قلب به دیدار محبوب؛ کشش روح کمال طلب و خداجو در راه شناخت پروردگار و ادراک حقیقت هستی (در شعر مولانا)

بی‌روزی: بی‌نوا و درویش

بیگاه: دیر

پرده: ۱. آهنگ و نغمه‌های مرتب (در موسیقی) ۲. پوشش

بی‌ستاره

بدحالان: کسانی که سیر و سلوک آن‌ها به سوی حق، گُند و آهسته است.

خوشحالان: رهروان راه حق که از سیر به سوی حق شادمان‌اند.

جفت: همراه

مستور: پوشیده، پنهان

حریف: هدم

نفیر: فریاد و زاری به آواز بلند



ملاهی: جمع ملهی (آلات لهو)



پوییدن: دویدن، به شتاب رفتن، جستجو و تلاش

ثنا: ستایش، حمد، درود

جود: بخشن، جوانمردی

مگر: ۱. امید است (قید آرزو و تمنا) ۲. شاید (قید تردید)

آزمند: حریص، طمع کار

گذاردن: اجازه دادن، رها کردن

صولت: حمله، قدرت، هیبت، غلبه

حصار: دیوار، بارو

مناعت: بلند نظری، عالی همت بودن، پایداری

خفقت: سبکی، خواری

مذلت: پستی، ذلت

حصلت: خوی، صفت ذاتی

داناث: فرومایگی، پست و ذلیل شدن

لجاج: سیزه، سرخختی

عفاف: پاکدامنی، پارساپی، پرهیزگاری

عصمت: پاکی، بی گناهی

حمیت: غیرت، مؤت، تعصّب

عصبیت: حمیت، طرفداری، تعصّب



در این بخش واژگان مهم املایی این فصل برایت سطح‌بندی شده‌اند. واژه‌ها را در سه سطح «هم‌آوا»، «هم‌ریشه» و «بی‌ریشه» می‌بینی، با توضیحی که درباره‌ی هر کدام آمده. ابتدا واژگان هم‌آوا و متشابه‌این فصل را می‌بینی که البته بیشترین اهمیت املایی را در آزمون سراسری دارند. آنها را با نمونه‌های مشابه‌شان مقایسه کن و به معنی‌شان توجه کن. در ادامه با واژگان تک املا روبه‌رو می‌شوی. در شناسایی صورت املایی درست آنها از وزن، معنی و همچنین واژگان هم‌ریشه‌ای که در برایشان آمده کمک بگیر.



هم‌آوا: واژه‌ایی که تلفظ یکسان یا مشابه و معانی متفاوت دارند.

گزاردن (به جای آوردن) / گذاردن (نهادن، اجازه دادن)

فرق (جدایی) ← تفریق / فراغ (آسودگی) ← فراغت

ظن (گمان) ← مظنون / زن (جنس مؤثث)

مستور (پوشیده) ← ستر، ستار / مستور (نوشته شده) ← سطر

آسرار (رازها) ← سر / اصرار (پافشاری) ← مصر

ثنا (ستایش) / سنا (روشنایی)

شبیه (شبیه، مانند) ← تشییه، شبیه، شباهت / شب (کالبد) ← اشباح

ضلال (گمراهی) ← ضلالت / ژلال (آب صاف و گوارا)

قدر (اندازه، ارزش) ← مقدار / غدر (خیانت، فریب) ← غذار

ازل (زمان بی‌آغاز) / عزل (برکنار کردن) ← معزول

ب) بیریشه: واژه‌هایی که هم‌ریشه‌های آن‌ها را در زبان روزمره به کار می‌بریم.

جذبه (کشش) ← جذاب، مجدوب، جاذبه، جذب
شرحه شرحه (پاره‌پاره) ← تشریح
واصل (رسنده) ← وصل، وصول، وصال
حصار (بارو) ← محاصره، حصر
مذلت (حوالی) ← ذلت، ذلیل
عفاف (پاکدامنی) ← عفیف
عصمت (پاکدامنی، نگاهداری نفس از گناه) ← معصوم
عصیت (تعصّب) ← متعصب
تعذری (تجاووز) ← متعدّی

ب) بیریشه: واژه‌هایی که هم‌ریشه ندارند یا هم‌ریشه‌های آن‌ها را معمولاً به کار نمی‌بریم.

طریاق (پادزهر)
غوطه (غرق شدن، فرو رفتن در آب)
مناعت (بزرگ‌منشی، طبع عالی داشتن)
حمیت (تعصّب، طرفداری)

قربت معنایی

در این بخش، ایيات و عبارات مهم درس برایت فهرست شده‌اند. رویه‌روی هر بیت و عبارت، مفهوم و پیام اصلی آن نوشته شده است. مرور این مفاهیم کمک می‌کند تا به یک برداشت عمیق‌تر نسبت به موضوعات درسی بررسی و بتوانی از معانی گسترده و گوناگون ایيات و عبارات، مفاهیمی کلی و کاربردی استخراج کنی.

شیوه کار

در این فصل ابتدا در درس «نی‌نامه» با این مضمون عرفانی آشنا می‌شوی که: نی نماد عاشق است و آواز جان‌سوز آن نشانه‌ی کشش انسان آگاه به سوی عالم معناست. در ادامه، مفاهیم مهمی از قبیل بازگشت به اصل، این که شناخت هر کس به اندازه‌ی ظرفیت اوست و این که حال عاشق را تنها عاشق در ک می‌کند، مطرح می‌شود.

درس

یادآوری

عبارت‌ها و ایيات

نی‌نامه

گرچه آغاز مثنوی مولانا با دیگر آثار نثر و نظم فارسی تفاوت دارد، اما روح نیایش و توجه به حق، در تار و پود آن نهفته است.: بیان مقصود در عین پوشیدگی این «نی» همان مولاناست که به عنوان نمونه‌ی یک انسان آگاه و آشنا با حقایق عالم معنا، خود را اسیر این جهان مادی می‌بیند و شکایت می‌کند که چرا روح آزاده‌ی او از «نیستان» عالم معنا بریده است.: بازگشت به اصل آنچه در این نی آوازی پدید می‌آورد، کشش انسان آگاه به سوی عالم معنا، به سوی پروردگار، به سوی کل و حقیقت هستی است: کشش از طرف معشوق انگیزه‌ی عاشق است.

و در حقیقت، این «نی عشق» را پروردگار می‌نوازد و فریاد مولانا هنگامی از نی وجودش بر می‌خیزد که جذبه‌ی حق بر او اثر می‌گذارد.: کشش از طرف معشوق انگیزه‌ی عاشق است.

بسنوا، از نی چون حکایت می‌کند / از جدایی‌ها شکایت می‌کند: گدازندگی غم هجران

کز نیستان تا مرا بیریده‌اند / از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند: عشق به خداوند در سرشنست همهی موجودات است. / گدازنده‌گی غم هجران
سینه خواهم شرحه از فراق / تا بگویم شرح در اشتیاق: حال عاشق را تنها عاشق درک می‌کند.
هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / بازجوید روزگارِ وصل خویش: بازگشت به اصل
کُلَّ شَيْءٍ يَرْجُعُ إِلَى أَصْلِهِ: بازگشت به اصل

ما ز دریاییم و دریا می‌رویم / ما ز بالایم و بالا می‌رویم: بازگشت به اصل
من به هر جمعیتی نالان شدم / جفت بدحالان و خوش حالان شدم: انعطاف‌پذیری عارف / جست‌وجوی نشانه‌های معشوق میان قشرهای
گوناگون

هر کسی از ازن خود شد یار من / از درون من نجست آسرارِ من: رازداری عاشقانه / شناخت هر کس به اندازه‌ی ظرفیت اوست.
سرِ من از ناله‌ی من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست: سخن، معروف راز درون است. / ناتوانی حواس مادی از درک معنویات
تن ز جان و جان ز تن مستور نیست / لیک کس را دیدِ جان دستور نیست: عجز عقل از درک معنویات
آتش است این بانگِ نای و نیست باد / هر که این آتش ندارد، نیست باد: سوز عشق / هر که عاشق نیست، سزاوار فنا و نابودی است.
آتشِ عشق است کاندر نی فناد / جوششِ عشق است کاندر می فناد: سوز عشق / عامل هر حرکتی در جهان، عشق است.
نی، حریفِ هر که از باری بُرید / پرده‌هایش پرده‌های ما درید: همراهی نی با عاشق هجران کشیده / افشاگری عشق / نی بیان‌کننده‌ی راز عشق است.
همچو نی زهری و تریاقی که دید؟ / همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟: عشق، هم «درد» و هم «درمان» / جمعِ آضداد در عشق
نی حدیثِ راه پُر خون می‌کند / قصبه‌های عشقِ مجنون می‌کند: دشواری‌های راه عشق / نی، بیانگر حال عاشق است.
محرم این هوش جز بی‌هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست: رازداری عاشقانه / تنها عاشق محروم راز عشق است.
در غمِ ما روزها بی‌گاه شد / روزها با سوزها همراه شد: گدازنده‌گی غم هجران
روزها گرفت، گو رو، باک نیست / تو بمان، ای آن که چون تو پاک نیست: عاشق تنها به معشوق نیازمند است.
هر که جز ماهی، ز آبیش سیر شد / هر که بی روزی است، روزش دیر شد: تنها عاشق حقیقی ارزش معشوق را درک می‌کند. / پایان ناپذیری
اشتیاق عاشق حقیقی / ملال آور بودن زندگی بی عشق
در نیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید، والسلام: حال عاشق را تنها عاشق درک می‌کند.



درس دوم شیوه‌ای مناجات‌گونه دارد و بر شمردن صفات پرودگار و ستایش خداوند، عمدی مقاہیم آن را تشکیل می‌دهد؛ همچنین در این درس بر
عجز انسان از درک و وصف خداوند تأکید شده است. مضمون بخش دوم درس با عنوان «نبایش»، پناه‌جویی به خداوند از شرّ صفات نکوهیده است.
نکوهش حرص، تکبر، خشم، حسد، هوس‌رانی، تعصب، غفلت‌زدگی، حق‌کشی، کوچک‌شمردن گناه، غرور در عبادت، بی‌اعتنایی نسبت به ظلم و ریاکاری از
جمله‌ی مقاہیم مهم این درس است. دو بیت پایان فصل هم، بر ازی بودن عشق تأکید دارد و نیز بر این که زیبایی خداوند موجب پیدایش عشق شد.

عبارت‌های ابیات

مناجات

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توأم راهنمایی: اظهار بندگی
همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم / همه توحید تو گویم که به توحید سزاایی: یگانگی صفات خداوند / تنها خداوند شایسته‌ی پرستش
است. / توانایی و جنبش موجودات به برکتِ لطف و کرم خداوند است.
تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی / تو نماینده‌ی فضلی تو سزاوار ثنایی: صفات خدا / تنها خداوند شایسته‌ی پرستش است.
بخشنده‌گی و فضل خداوند

نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی / نتوان شبیه تو گفتن که تو در وهم نیایی: عجز عقل انسان از درک و وصف خداوند / بی‌همتایی
خداوند

همه عزی و جلالی همه علمی و یقینی / همه نوری و سروری همه جودی و جزایی: صفات خداوند
همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فرامی: ستار العیوبی (عیب‌پوشی) خداوند / علام الغیوبی
(غیب‌دانی) خداوند/عزت و ذلت به دست خداست.

تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ و تُذَلُّ مَنْ تَشَاءُ: عزت و ذلت به دست خداست.

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بُوَدَش روی رهایی: ستایش خدا با همهی وجود / اقرار به یگانگی خدا موجب رهایی

پروردگارا، به درگاه تو پناه می آورم و تو نیز پناهم بخش تا موجودی آزمد و خویشن دوست نباشم: نکوهش حرص و تکبر مگذار که صولت خشم، حصار برداری مرا در هم بشکند و حمله‌ی حسد، مناعت فطرت مرا به خفت و مذلت فروکشاند: دعوت به مهار خشم، برداری و پرهیز از حسد / حسد موجب نابودی و ذلت است. / تقابل حسد با عزت نفس پروردگارا، از خصلت طمع که دنائت آورد و آبرو ببرد [به تو پناه می آورم]: طمع موجب پستی و رسوایی از بدخوبی که دل دوستان بشکند و به دشمنان نشاط و نیرو بخشد [به تو پناه می آورم]: تندخوبی موجب رنجش دوستان و تقویت دشمنان از لجاج شهوت که همت‌های بلند را پست سازد و پرده‌ی عفاف و عصمت چاک زند، به درگاه تو پناه می آورم: نکوهش گناه و شهوت پرسنی از حمیت‌های جاهله‌ی و عصبیت‌های ناهنجار که حرمت انساییت پاس ندارد و به حریم اجتماع پای تهدی و تجاوز بگذارد، به ذات اقدس تو پناه می برم: تعصّب، موجب حرمت‌شکنی و تجاوز پروردگارا، روا مدار که سر به دنبال هوس بگذارم و در ظلمات جهل و ضلال، از چراغ هدایت به دور افتم و بیغوله را از شاهراه باز نشانم: پرهیز از هوس‌رانی / تلاش برای رهایی از گمراهی روا مدار که به خواب غفلت فرو افتم و کیفر غفلت خویش بینم: نکوهش غفلت‌زدگی روا مدار که به خاطر هوس خویش، پای بطلان بر عنوان حق گذارم و باطل را بر حق برگزینم: هوس‌رانی موجب حق‌کشی / نکوهش ترجیح باطل بر حق پروردگارا، مگذار دامان وجودم به پلیدی‌های گناه بیالايد و مگذار که معصیت‌ها را - هرچه هم کوچک باشد - کوچک بشمارم و نسبت به ملاهی و مناهی بی‌پروا باشم: نکوهش گناه و بمویژه کوچک شمردن گناه روا مدار که طاعت‌اندک خویش را بسیار بینم و به خویشن بیالم و گردن استکبار و افتخار بر فرازم و به کیفر این خودبینی و خودپرسنی از ادراک فضایل و مکارم فرو مانم: نکوهش غرور در عبادت / تکبر موجب بی‌بهرگی آنچنان کن که قدر نعمت بدانیم و شکر نعمت به‌جای آوریم: ضرورت به‌جا آوردن شکر نعمت به تو پناه می برم از این که مظلومی را در چنگال ستم کاران وابگذارم و تا آن‌جا که قدرت و قوّت دارم، از حمایتش مضایقت کنم: ضرورت همراهی با مظلومان و نکوهش بی توجهی به ظلم الهی، روا مدار که پنهان‌ما از پیدای ما ناستوده‌تر باشد و در ورای صورت آراسته‌ی ما سیرتی زشت و ناهموار نهفته باشد: ترجیح باطن بر ظاهر / نکوهش ریاکاری حسنت به ازل نظر چو در کارم کرد / بنمود جمال و عاشق زارم کرد: ازلی بودن عشق / زیبایی خداوند موجب پیدایش عشق من خفته بُدم به ناز در کتم عدم / حسن تو به دست خویش بیدارم کرد: ازلی بودن عشق / زیبایی خداوند موجب پیدایش عشق

نموزنده سوال

واژه

(تهریبی ۱۷)

۱.

معنی واژه‌های «بیغوله - ملاهی - کتم - انحطاط» به ترتیب کدام است؟

- (۱) بی‌فایده - بازیچه - پنهان داشتن - فروآمدن
(۲) ویرانه - آلات لهو - پنهان داشتن - پست شدن
(۳) بیچارگی - آلات لهو - جهان نیستی - پستی
(۴) گوشاهی در خانه - نهی شده - پوشیدگی - فروافتادن

املاک

(ریاضی ۹۵)

۲. در عبارت زیر، املای کدام واژه نادرست است؟

«سه‌تн آرزوی چیزی برند و نیابند: مفسدی که ثواب مصلحان چشم دارد و بخیلی که سنای اصحاب مرور توقع کند و جاهلی که از سر سفاها و غضب و حرص برخیزد و الحاح ورزد که با نیک مردان برابر بود.»

- (۱) سفاها
(۲) الحاح
(۳) ثواب
(۴) سنا

۳. در متن «بساط نور جمال، حور را شاید، نه نگار روز را، ملاحتی با حازم چگونه متابعت نماید چون خورشید عالم‌آرای، سر از مطلع خویش برآرد چراغ درویشان بی‌ضیا ماند، جان آدم، گم‌شده‌ی خود را در نور صبح کاذب نطلبید که از ضیای او شب یلدا سوزن را در میان خاک بتوان یافت.» املای کدام واژه غلط است؟

- (۱) متابعت
(۲) حازم
(۳) ضیا
(۴) ملاحتی

(تهریبی ۹۰)

۴. املای چند کلمه در عبارات زیر غلط است؟

«بر تعذیب حیوان اقدام روا ندارند مگر جاهلان که علم اصحاب ظلالت از ادراک مصالح بر اطلاق قاصر است و حجاب جهل احراض سعادت را مانع ظاهر، و باید دانست که هر کرداری را پاداشی است که هر آینه به ارباب آن برسد و به تأخیری که در میان افتاد مغدور نشاید بود. اگرچه در عاجل توقعی رود، عذاب آجل بی‌شبہ متظر و متسرّد باشد.»

- (۱) یک
(۲) دو
(۳) سه
(۴) چهار

۵. در متن «چون قوتی در این بیغوله هست بی‌غلان ظلال رفتن و خیال محال پختن نشان خامی است. آزادمرد از قبض و بسط امور دنیا آن‌گه برون آید که ترتیب امور معاد را بر همه‌ی مهمات راجح داند.» چند غلط املای وجود دارد؟

- (۱) یک
(۲) دو
(۳) سه
(۴) چهار

۶. در متن «سه‌تн آرزوی چیزی برند و نیابند: مفسدی که ثواب مصلحان چشم دارد و بخیلی که سنای اصحاب مرور توقع کند و آن که به دردی دائم و علتی هایل مبتلا باشد و به هیچ تأویل خلاص نیابد.» چند غلط املای وجود دارد؟

- (۱) یک
(۲) دو
(۳) سه
(۴) چهار

(ریاضی ۸۹)

۷. در کدام عبارت غلط املای وجود دارد؟

- (۱) من واقعیم که اگر تفخیص بسرا رود، از غضب ملک مسلم مانم.
(۲) برائت ساحت و فرط مناصحت و صدق اشارت و برکت دیدار من معلوم خواهد شد.
(۳) اگر از روی دین و همیت کوششی پیوسته آید، برکات و ثواب‌های آن را نهایت صورت نبندند.
(۴) در سر این استبداد و اصرار شوی و از این زرق و شعوذه وقتی پشیمان گردی که بیش سود ندارد.

- | | |
|--|--|
| <p>۱۰. در عبارت «پای بطلان بر عنوان حق مگزارید و از حمایت مظلوم مضایغت ننمایید و به مناهی روی میاورید و از ملاهی برحدزرا باشید تا ادراک فضایل فرونمایند و در تیه ضلالت سرگردان نشوید.» <u>چند غلط املایی</u> هست؟</p> <p>(هنر ۸۰)</p> | ۱
یک

۲
دو

۳
سه

۴
چهار |
| <p>۱۱. در عبارت «در فترت کاینات به وزیر و مشیر و معونت و مظاهرت محتاج نگشت و برای هدایت و ارشاد آدمیان رسولان فرستاد تا خلق را از ظلمت جهل و ظلالت برها نیند. آن‌گاه آیات جهاد بیامد و فرضیت مجاهدت، هم از وجه شرع و هم از طریق خرد ثابت شد و تأیید آسمانی و ثبات عزم صاحب شریعت بدان پیوست» <u>چند غلط املایی</u> هست؟</p> <p>(تبهی ۸۳)</p> | ۱
یک

۲
دو

۳
سه

۴
چهار |
| <p>۱۲. در عبارت «پای بطلان بر عنوان حق مگزارید و از حمایت مظلوم مضایغت ننمایید و به مناهی روی میاورید و از ملاهی برحدزرا باشید تا ادراک فضایل فرونمایند و در تیه ضلالت سرگردان نشوید.» <u>چند غلط املایی</u> هست؟</p> <p>(هنر ۸۰)</p> | ۱
یک

۲
دو

۳
سه

۴
چهار |
| <p>۱۳. در عبارت «در کدام گروه کلمات غلط املایی وجود ندارد؟</p> <p>(۱) ثروت و غنا - نثر مرسل - خیانت و غدر
 (۲) سطور منظم - گوش و بیقوله - درنگ و تائی
 (۳) وحشت و هول - اشاعه و ترویج - رزیلت اخلاقی
 (۴) تفهیم و الغا - ختم و پایان - بعد و قرب</p> | ۱
در کدام گروه کلمات غلط املایی وجود ندارد؟

۲
(۱)

۳
(۲)

۴
(۳) |
| <p>۱۴. در عبارت «چون مضمون ضمایر این طایفه را می‌دانست، ایشان را به انواع تحذیر از آن اندیشه منع می‌کرد. پس هر یک با کینه‌ای در سینه مسطور ترک مواصلت او کردند؛ سپس نفرّق و اختلاف به تعلّق و اعتلاف مبدل گشت و فرمان او را متابع گشتند.» <u>چند غلط املایی</u> هست؟</p> <p>(هنر ۸۵)</p> | ۱
یک

۲
دو

۳
سه

۴
چهار |
| <p>۱۵. «زاغ گفت: مرا به شواهد عقل و دلایل حس معلوم است که از خاکساران متواتر هیچ کس را این فروتنی و سلامت تبع نیست که شتر راست. دریغ باشد به تصریب بدسگال و صاحب‌غرض، خدمتکاری پاک‌سرشت را آلوده داشتن. شهریار شتر را حاضر کرد و گفت: تو همیشه بر طاعت اوامر من اقبال نموده‌ای و از نواحی امتناع کرده و قدمی از خاسته‌ی من فراتر ننهادی؛ موجب این دگرگونی چیست؟»</p> <p>(فنی ۸۷)</p> | ۱
یک

۲
دو

۳
سه

۴
چهار |

آرایه‌های ادبی

۱۳. در کدام گزینه، همهٔ ترکیب‌ها «اضافی استعاری»‌اند؟

(۱) خصلت طمع - گردن استکبار - بیابان ضلال - قالب قصیده
 (۲) جام عافیت - پای تعذری - قدر نعمت - تیه گمراهمی
 (۳) حملهٔ حسد - پردهٔ عفاف - لجاج شهوت - حوزهٔ عاطفی
 (۴) فریاد هستی - دامن خاک - روح کلام - صولت خشم

(هنر ۱۹)

قرابت معنایی

۱۴. مفهوم کلی کدام بیت، با سایر ایيات متفاوت است؟

 - (۱) ای روی دلارایت مجموعه‌ی زیبایی
 - (۲) همی دانم که فریادم به گوشش می‌رسد، لیکن
 - (۳) تو را که دیده ز خواب و خمار باز نباشد
 - (۴) گفتی اگر درد عشق پای ندارد گریز

۱۵. بیت زیر با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

حسنٰت به ازل نظر چو در کارم کرد

 - (۱) آفتاب رخ تسو پنهان نیست
 - (۲) سایه‌ای بودم ز اویل بر زمین افتاده خوار
 - (۳) یک شعله آتش رخ تو در جهان فتاد
 - (۴) ای آفتاب حسن برون آدمی ز ابر

۹۶. (فاجع از کشور) مجموع چه غم دارد از من که پریشانم؟

چه غم آسوده خاطر راز حال ناشکیابی
ریاضتِ من شب تاسحر نشسته چه دانی
چون بتوانم گریخت تاتو کمندم کشی

(تهریی ۹۵)

بنمود جمال و عاشق زارم کرد»

لیک هر دیده محترم آن نیست
راست کان خورشید پیدا گشت نایدا شدم
سیلاب عشق بر دل مست خراب بست
کآن چهره‌ی مشعشع تابانم آرزوست

پس سخن کوتاه باید والسلام

نیستی پخته چون بگویی خام
کامروز آتش عشق، ازوی نبرد خامی
کاین پخته بین که در سر سودای خام شد
زیرا که بدان آتش هرگز نرسد خامی

- (۲) محرم این هوش جز بی هوش نیست: بی خبری از عشق
(۴) نی حرف هر که از یاری برید: هم‌دلی و هم‌زبانی مبتلایان فراق

با کدام گزینه، قربت مفهومی دارد؟

کاین لشکر از سپاه من اویل زبان گرفت
که هر که پای در این ره نهاد، سر بهاد
که سر بی عشق بر گردن کشیدن بار دوش آمد
خون باید خورد در گاه و بیگاه

کز راه دیده باز به دریا همی رو
نیست ممکن هر که مجنون شد دگر عاقل شود
چنگ شعر مثنوی باساز گشت
مردم بی اصل و بیگوهر نیابد سروری

هر زمان با دف و نی بر سر بازار دگر
نه دلسوز نه همدم دارم امشب
استاده است سرو و کمر بسته است نی
هر نی که به آن لعل شکر بار رسیده

پس سخن کوتاه باید والسلام
نهادی هنر کجا یابی؟
که به دل داغ تو را در عوض مرهم زد
که باشد بر نظاره جنگ آسان؟

کجا بریم دلی را که کرده‌ای تو چنینش؟
که بر کسی نگشاید در بهشت برینش
که بر رخ تو نیفتند نگاه بازیش
نهاد سنگ بنالد ز ناله‌های حزینش

۱۶. مفهوم بیت زیر، با کدام بیت تناسب دارد؟

«درنایابد حال پخته هیچ خام

- (۱) خام گفتی سخن ولیکن تو
(۲) فردا به داغ دوزخ، ناپخته‌ای بسو زد
(۳) افسوس خلق می‌شنوم در قفای خویش
(۴) از عشق تو زاهد را دم گرم نخواهد شد

۱۷. مفهوم رو به روی کدام گزینه، درست نیست؟

- (۱) هر که جز ماهی ز آبیش سیر شد: شوق بی‌نهایت عارف
(۳) سر من از ناله‌ی من دور نیست: اتحاد ظاهر و باطن

۱۸. بیت «نی حدیث راه پرخون می‌کند/ قسمه‌های عشق مجنون می‌کند» با کدام گزینه، قربت مفهومی دارد؟

- (۱) از ترکیاز عشق شکایت چهسان کنم؟
(۲) بر آستان محبت قدم منه خواجه
(۳) مرا بی عشق مهربویان بقای سر نمی‌باید
(۴) حافظ چه نالی؟ گر وصل خواهی

۱۹. بیت «هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش» با کدام گزینه قربت مفهومی دارد؟

- (۱) دل، قطره‌ای ز شبنم دریای عشق اوست
(۲) سیل دریادیده، هرگز برنمی‌گردد به خود
(۳) چون ز دریا سوی ساحل بازگشت
(۴) سروری را اصل و گوهر برترین سرمایه است

- (۱) راز سربسته‌ی ما بین که به دستان گفتند
(۲) بنال ای نی که من غم دارم امشب
(۳) مسند به باغ بر که به خدمت چو بندگان
(۴) صائب، زند آتش به جهان از نفس گرم

۲۱. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- (۱) درنایابد حال پخته هیچ خام
(۲) تمن به دود چراغ و بی خوابی
(۳) حال دلسوزتی عشق کسی می‌داند
(۴) مگر نشانیدی از گیتی شناسان

۲۲. بیت «کز نیستان تا مرا ببریده‌اند / از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند»، با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

- (۱) نظر ز چاره‌ی بیمار خود مپوش خدرا
(۲) گشاده‌چهره بیا در حضور خازن جنت
(۳) مریض عشق تو را جان به لب رسیده و ترسم
(۴) خانگ عشق به هر قلب خسته‌ای که نشسته

(ریاضی ۹۳)

مر زبان را مشتری جز گوش نیست
وحشی‌ای باید که بر لب گیرد این پیمانه را
که حرفان همه در خواب گران‌اند هنوز
مس تاییده‌ای آور که گیرد در تو اکسیرم

(زبان ۹۳)

«بـا کدام بـیت قرابـت مفهـومی نـدارـد؟»
که تـا دور اـبد باـقـی بر او حـسن و شـاـآمد
کـه يـکـدم اـز تو نـظر بـر نـمـیـتوـانـانـداـختـ
حـسن چـو جـلوـه مـیـکـند عـشـق زـیـاد مـیـشـودـ
نـامـزـد عـشـق تـوـآـمـد جـهـانـ

(سراسری انسانی ۹۱)

آن کـز هـمـه عـالـمـش خـبـرـ نـیـستـ
تا اـبد سـر نـکـشـد وزـسـر پـیـمان نـرـودـ
دـیرـگـاهـی اـسـتـ کـه مـن بـلـبـل اـیـن بـسـتـانـ
با خـود آـورـدـ اـز آـنـجـانـه بـه خـود بـر بـسـتمـ

(سراسری فارج از کشور ۹۱)

پـس سـخـن کـوتـاه بـایـد والـسـلامـ
چـو درـد درـ توـبـنـیـنـدـ کـه رـا دـوا بـکـنـدـ
با طـبـیـب نـامـحـرم حـال درـدـپـنـهـانـیـ
کـایـنـ حـالـ نـیـسـتـ زـاهـدـ عـالـیـمـقـامـ رـاـ

(انسان ۹۰)

دارـدـ

پـس سـخـن کـوتـاه بـایـد والـسـلامـ
صـوـفـیـ نـشـود صـافـیـ تـا درـنـکـشـدـ جـامـیـ
خـامـ اـز عـذـاب سـوـخـتـگـانـ بـیـخـبـرـ بـودـ
کـه مـگـوـ حـال دـل سـوـخـتـهـ بـاـخـامـیـ چـندـ

(زبان ۹۰)

هـمـ مـرـهـمـ وـ هـمـ جـراـحتـ دـلـ
دـلـ فـدـایـ اوـشـدـ وـ جـانـ نـیـزـ هـمـ
هـمـ چـوـ نـیـ دـمـسـازـ وـ مـشـتـاقـیـ کـه دـیدـ؟ـ
گـرـ درـدـمـنـدـ عـشـقـ بـنـالـدـغـرـیـبـ نـیـسـتـ

(ریاضی ۸۸)

ماـیـ تـپـیدـ تـاـ باـزـ درـ دـرـیـاـ فـتـدـ
مـرـ اـینـ حـدـیـثـ مـسـلـمـ هـمـ اـینـ مـثـلـ مـضـرـوبـ (= زـدهـ شـدـهـ)
باـزـ شـودـ جـزوـ بـیـگـمـانـ بـهـ سـوـیـ کـلـ
جزـ تـشـنـهـ لـبـ نـیـامـدـ وـ جـزـ نـاشـتـاـ نـشـدـ

۲۳. مفهوم کدام بیت با دیگر ایيات متفاوت است؟

- (۱) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست
- (۲) می ز رطل عشق خوردن کار هر بی‌ظرف نیست
- (۳) ساقیا در قدر باده چه پیمودی دوش
- (۴) دل بی‌سوز کم گیرد نصیب از صحبت مردی

۲۴. بیت «حسنت به ازل نظر چو در کارم کرد / بنمود جمال و عاشق زارم کرد» با کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) کمال حسن تدبیرش چنان آراست عالم را
- (۲) چه فتنه بود که حسن تو در جهان انداخت
- (۳) لطف نهان به جلوه آرتا برود دلم ز کار
- (۴) تارقم حسن تو زد آسمان

۲۵. مضمون همهی ایيات، به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارند.

- (۱) دانی که خبر ز عشق دارد؟
- (۲) در ازل بست دلم با سر زلفت پیوند
- (۳) عشق من بر گل رخسار تو امروزی نیست
- (۴) پیش از آب و گل من در دل من مهر تو بود

۲۶. مفهوم کدام بیت با دیگر ایيات متفاوت است؟

- (۱) درنیابـدـ حـالـ پـختـهـ هـیـچـ خـامـ
- (۲) طـبـیـبـ عـشـقـ مـسـیـحـاـمـ اـسـتـ وـ مـشـقـ،ـ لـیـکـ
- (۳) پـیـشـ زـاهـدـ اـزـ رـنـدـیـ دـمـ مـزـنـ کـهـ تـنـوـانـ گـفتـ
- (۴) رـازـ درـونـ پـرـدـهـ زـ رـنـدانـ مـسـتـ پـرـسـ

۲۷. مفهوم همهی ایيات، به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد.

- (۱) درنیابـدـ حـالـ پـختـهـ هـیـچـ خـامـ
- (۲) بـسـیـارـ سـفـرـ بـایـدـ تـاـ پـختـهـ شـودـ خـامـیـ
- (۳) بـاـ نـیـمـ پـختـگـانـ نـتـوانـ گـفتـ سـوـزـ عـشـقـ
- (۴) پـیرـ مـیـخـانـهـ چـهـ خـوـشـ گـفتـ بـهـ ڈـرـدـیـ کـشـ خـوـیـشـ

۲۸. مفهوم کدام بیت با دیگر ایيات متفاوت است؟

- (۱) اـیـ درـدـ وـ غـمـ تـوـ رـاحـتـ دـلـ
- (۲) درـدـ اـزـ یـارـ اـسـتـ وـ درـمـانـ نـیـزـ هـمـ
- (۳) هـمـ چـوـ نـیـ زـهـرـیـ وـ تـرـیـاقـیـ کـهـ دـیدـ؟ـ
- (۴) درـدـیـسـتـ درـدـ عـشـقـ کـهـ هـیـچـشـ طـبـیـبـ نـیـسـتـ

۲۹. مفهوم بیت «ما ز دریايم و دریا می رویم / ما ز بالایم و بالا می رویم» با کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) مـاهـیـ اـزـ دـرـیـاـ چـوـ درـ صـحـراـ فـتـدـ
- (۲) بـهـ اـصـلـ باـزـ شـودـ فـرعـ وـ هـسـتـ نـزـدـ خـردـ
- (۳) جـزوـ جـهـانـ اـسـتـ شـخـصـ مـرـدـمـ؛ـ رـوـزـیـ
- (۴) سـیرـیـ طـلـبـ مـكـنـ کـهـ کـسـ انـدـرـ نـشـیـبـ خـاـکـ

۳۰. متن زیر با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

«آنچه در این نی آوازی پدید می‌آورد، کشش انسان آگاه به سوی عالم معنا، به سوی پروردگار، به سوی کل و حقیقت هستی است و در حقیقت، این نی عشق را پروردگار می‌نوازد و فریاد مولانا هنگامی از نی وجودش برمنی خیزد که جذبه‌ی حق بر او اثر می‌گذارد.»

یوسفی هست دریغا که خریداری نیست
ترسم ای دوست که بادی ببرد ناگاهم
ای کم از شبنم، تو هم آینه را پرداز ده
پرواز دل به سوی خدا می‌برد مرا

(۱) یار از پرده هویدا شد و یاران غافل

(۲) ذره‌ی خاکم و در کوی تو ام جای خوش است

(۳) شبنم از روشن‌دلی آینه‌ی خورشید شد

(۴) با بال شوق، ذره به خورشید می‌رسد

۳۱. به مضمون آیه‌ی (تَعْزُّزٌ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذَلٌّ مَنْ تَشَاءُ) در کدام بیت اشاره نشده است؟

گلیم شفاقت یکی در بر رش
بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست
یکی را به خاک اندر آرد ز تخت
گروهی بر آتش برد ز آب نیل

(۱) کلاه سعادت یکی بر سرش

(۲) ادیم (=سفره‌ی) زمین سفره‌ی عام اوست

(۳) یکی را به سر بر نهاد تاج بخت

(۴) گلستان کند آتشی بر خلیل

۳۲. مفهوم بیت «ما ز دریاییم و دریا می‌رویم / ما ز بالاییم و بالا می‌رویم» با کدام بیت تناسب دارد؟

زان که خرمایی ندارد شاخ بید
باز ماراسوی گردون برکشید
کز رسولانش پیایی شد نوید
ای نهانان سوی بسوی آن پرید

(۱) هم‌چو مریم سوی خرمابن رویم

(۲) مازگردون سوی مادون آمدیم

(۳) برنشین ای عزم و منشین ای امید

(۴) دود و بسوی می‌رسد از عرش غیب

۳۳. مفهوم عبارت «کُلْ شَيْءٍ يَرْجِعُ إِلَى أَصْلِهِ» در کدام بیت وجود ندارد؟

سیر جان، پا در دل دریانهاد
اصل‌ها مر فرع‌هارا در پی است
تن تو را در حبس آب و گل کشد
تن، زده اندر زمین چنگال‌ها

(۱) سیر جسم خشک، بر خشکی فناد

(۲) مادر فرزند، جویان وی است

(۳) دل تو را در کوی اهل دل کشد

(۴) جان، گشاده سوی گردون بال‌ها

۳۴. بیت «درنیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید، والسلام» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

هرگز نبرد سوخته‌ای قصه به خامی
که مگو حال دل سوخته با خامی چند
کامروز آتش عشق، ازوی تبرد خامی
سوخته داند که چیست پختن سودای خام

(۱) «سعادی» سخن یار نگوید بر اغیار

(۲) پیر میخانه چه خوش گفت به ذردی کش خویش

(۳) فردا به داغ دوزخ ناپخته‌ای بسوزد

(۴) هر که در آتش نرفت بی خبر از سوز ماست

پس سخن کوتاه باید والسلام
پخته داند کاین سخن با خام نیست
چون باده ز خامی نبود جوش و خروشم
وآن را خبر از آتش مانیست که خام است
عجب از سوختگی نیست که خامی عجب است

۳۵. مفهوم بیت زیر در کدام گزینه وجود ندارد؟

«درنیابد حال پخته هیچ خام

(۱) تانوزد بر نیاید بسوی عود

(۲) فریاد من از سوختگی هاست چو آتش

(۳) دردا که بپختیم در این سوز نهانی

(۴) آتش روی تو زین گونه که در خلق گرفت

۳۶. بیت «بگو ای نای، حال عاشقان را / که آواز تو جان می‌آزماید» با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

تو بمان، ای آنکه چون تو پاک نیست
هر که بی روزی سرت، روزش دیر شد
قصه‌های عشق مجنون می‌کند
لیک کس را دید جان دستور نیست

(۱) روزها گر رفت، گو رو، باک نیست

(۲) هر که جز ماهی، ز آبیش سیر شد

(۳) نی حدیث راه پرخون می‌کند

(۴) تمن ز جان و جان ز تمن مستور نیست

- ۳۷.** بیت «سینه خواهم شرخه شرخه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتباق» با کدام بیت تناسب معنایی ندارد؟
 (فاجع از کشور ۱۸۷)
 هم نفسی تا کند درد دلم را دوا
 و گرگویی کسی هم درد باید
 که دل چه می‌کشد از روزگار هجرانش
 بیچاره درد می‌خورم و نعره می‌زنم؟
- ۳۸.** مفهوم آیه‌ی (تعز من تشاء و تُذَلْ مَنْ تَشاء) با کدام بیت متناسب است؟
 (هنر ۱۶)
 نتوانند زمانه خوار کند
 آفرینند را کج سادانند؟
 و آن که پوشیده داشت، مارت تو اوست
 گر عزیز جهان بود خوار است
- ۳۹.** بیت «زمانه گر بزند آتشم به خرم عمر / بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟
 (فاجع از کشور ۱۸۶)
 به من بنگر به ره منگر که من ره را نور دیدم
 روزها با سازوها همراه شد
 تو بمان، ای آن که چون تو پاک نیست
 شور محبتی که در آب و گل من است
- ۴۰.** بیت «من نکردم خلق تا سودی کنم / بلکه تا بر بندگان جودی کنم» با مفهوم کدام بیت قرابت معنایی دارد؟
 (زبان ۱۸۵)
 کی توان کردن شنا ای هوشمند!
 نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی
 تو نماینده‌ی فضلی تو سزاوار ثنایی
 زهر باید خورد و انگاری‌دانند
- ۴۱.** در همه‌ی ایات، به جز بیت کلمه‌ای وجود دارد که به شیوه‌ی نمادین و تمثیلی، بر عاشق و عارفِ واصل دلالت می‌کند.
 (ریاضی ۱۸)
- پس سخن کوتاه باید، والسلام
 تابگویم شرح درد اشتباق
 مر زبان را مشتری جزگوش نیست
 هر که بی روزی سست، روزش دیر شد
- ۴۲.** مفهوم بیت «سر من از نالهی من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست» با کدام گزینه متناسب است؟
 (زبان ۱۸۴)
 این چه می‌گوییم نه احوال من است
 وز گل عزیزتر، چه ستانی به سیم گل؟
 جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد
 از نکهت خود نیست به هر حال جدا گل
- ۱)** پای نهم در عدم بو که به دست آورم
۲) حدیث عشق جانان گفتنی نیست
۳) کجاست هم نفسی تا به شرح عرضه دهم؟
۴) دردی نبوده را چه تفاوت کند که من
- ۱)** آن که را کردگار کرد عزیز
۲) آن که خود را شناخت نتوانند
۳) آن که عیب تو گفت، یار تو اوست
۴) آن که را با طمع سروکار است
- ۱)** بگفتم روز بی‌گاه است و ره بس دور، گفتار و
۲) در غم ماروزها بی‌گاه شد
۳) روزها گرفت، گورو، باک نیست
۴) طوفان نوح را به نظر در نیاورد
- ۱)** عشق، دریایی کرانه ناپدید
۲) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی
۳) تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی
۴) رشت باید دید و انگارید خوب
- ۱)** در نیابد حال پخته هیچ خام
۲) سینه خواهم شرخه شرخه از فراق
۳) محرم این هوش جز بی هوش نیست
۴) هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد